

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۵۹۷

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: عبدال گلپریان

۲۵ آبان ۱۳۹۰، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

## ما به پرچمدار کمونیسم در ایران امروز تبدیل شده ایم

فاتیح بهرامی: ۳۰ نوامبر امسال  
دهمین سالگرد تشکیل حزب است.  
دهسال پیش، در شرایطی که از  
فروپاشی بلوک شرق مدت زیادی  
نگذشته بود و هجوم نظری و سیاسی  
سرمایه داری جهانی به اندیشه  
سوسیالیستی و آرمانهای  
آزادیخواهانه بشر سیمای سیاسی  
جهان را ترسیم میکرد، در جریان  
۲ صفحه

مصاحبه انترناسیونال هفتگی  
شماره ۸۲ با منصور حکمت در  
دهمین سالگرد تشکیل حزب  
کمونیست کارگری ایران بتاريخ ۳۰  
نوامبر ۲۰۰۱.  
متن این مصاحبه را بمناسب  
بیستمین سالگرد تشکیل حزب  
کمونیست کارگری در این شماره  
ایسکرا تجدید چاپ کردیم.  
ایسکرا

## متن سخنرانی محمد آسنگران در فرانکفورت - آلمان

اسلام سیاسی رفیق مینا احدی را  
شنیدیم. جنبش اسلام سیاسی هم  
یک موضوع جهانی است نه یک  
جنبش محلی و کشوری. اما  
هنگامیکه اوضاع داخلی ایران را  
نگاه میکنیم موارد ویژه تری هست  
که باید به آنها دقت کرد. بالاخره  
۲ صفحه



دوستان در این سخنرانیها بحث  
اوضاع جهانی رفیق حمید تقوایی و  
بحث در مورد موقعیت جنبش

## به یاری حامیان مادران عزادار بشتابیم محمد علی طاهری در شرایط نگران کننده ای بسر میرد

علنی آمران و عاملان تمامی  
جنایت های صورت گرفته توسط  
حکومت جمهوری اسلامی از  
ابتدای تشکیل آن هستند. این  
مادران و حامیانشان در جریان  
خیزش مردم ایران در سال ۲۰۰۹  
۶ صفحه

مادران عزادار( مادران پارک  
لاله) مادرانی هستند که  
فرزندانشان از اوایل  
دهه ۱۳۶۰ کشته، اعدام، بازداشت  
یا ناپدید شده اند. آنها  
خواهان خواهان محاکمه عادلانه و

## جشن بمناسبت بیستمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، سخنرانان: حمید تقوایی و مینا احدی

بیانید با هم  
بیستمین  
سالگرد  
تشکیل حزب  
کمونیست  
کارگری ایران را  
جشن بگیریم!

سخنرانان:  
حمید تقوایی  
مینا احدی

سجتراین  
موریک  
رفض هنری  
نمایشگاه عکس  
ساز  
نوسندنی  
دسکو

شنبه ۲۶ نوامبر  
هوسبی ترف، از ساعت ۱۹-۲۳  
برای اطلاعات بیشتر: ۰۷۰۷۷۳۲۵۴۷

www.wpiiran.org

## یک دنیای بهتر - بخش ۲ - فصل هفتم روابط بین المللی

۸ صفحه

علی نجاتی از فعالین کارگری نیشکر هفت تپه به زندان دز فول منتقل شد ۴ صفحه

خسوف مداوا نشده / مهوش گلپریان ۵ صفحه

طالبان یک مادر و دختر را در افغانستان سنگسار کرد! / مینا احدی ۶ صفحه

### اخبار هفته

در صفحه ۷

- \* آیت نیافر با قرار وثیقه یکصد میلیون تومانی آزاد شد
- \* افزایش مرگ و میر کارگران بر اثر حوادث کاری
- \* چهار زندانی سیاسی در معرض خطر صدور حکم اعدام قرار دارند
- \* محکومیت هشت تن از فعالان ادبی و فرهنگی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## متن سخنرانی محمد آسنگران ...

از صفحه ۱

آزادیخواهانه مثل جنبش کارگری، جنبش دفاع از حقوق زن و جنبش جوانانی که از دست فرهنگ عقب مانده جانشان به لب رسیده است ... و اگر اوضاع ایران را در بعد وسیعتری نگاه کنیم و در یک بعد ماکرو تاریخ ایران را نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اتفاقات بزرگتر و گنده تری افتاده است که همه این جنبشها را تحت تاثیر قرار میدهد، یا پشت سر خود بسیج و یا سرکوب میکند.

از زمانی که سرمایه داری در ایران در ابعاد وسیع و جدی پا به عرصه وجود گذاشته، یعنی از مقطع انقلاب مشروطیت تا کنون را اگر نگاه کنیم در هر دوره ای دولتی و سیستمی عوض شده و جریان دیگری به قدرت رسیده است. حال با انقلاب یا با کودتا یا با رفرم و یا هر اتفاق سیاسی دیگری که در آن جامعه افتاده است، قدرت سیاسی همیشه دست دو تا جنبش بوده است. یا ناسیونالیستها قدرت را داشته اند یا اسلامیهستها و یا ترکیبی از این دو جنبش. همیشه قدرت، دولت، قانون و اداره جامعه ظاهرا به قد و بالای این دو جنبش دوخته شده است.

اسلامیهها و پادشاه و سلطنت کنار میروند (قاجار) ناسیونالیسم عریان تری قدرت را قبضه میکند، ناسیونالیستها خراب میکنند، کنار میروند، اسلامیهها دوباره برمیگردند. هر کدام از اینها که قدرت را قبضه میکنند اولین کارشان هم این بوده و هست که پایه ها و ارکان نظام تولیدی موجود را حفظ کنند و قوانین پایه ای موجود را دست نزنند اما سعی میکنند در قوانین جاری و سیاسی کشور تغییراتی به نفع جنبش خود ایجاد کنند.

دوران پهلویها از رضا شاه که شروع میشود تا دوران پسرش ناسیونالیسم قدرت را قبضه میکند. اسلامیهها را یک درجه حاشیه ای میکنند اما هنوز در تدوین قانون شریک هستند. قوانین دوران شاه بر اسلام و نوع خاصی از آن (شیعه اثنی عشری) مبتنی بود. این دو جنبش در اداره جامعه و اشاعه فرهنگ خود همیشه دست بالا را داشته اند. تمام سخنگویان معروف

آزادیخواهانه مثل جنبش کارگری، جنبش دفاع از حقوق زن و جنبش جوانانی که از دست فرهنگ عقب مانده جانشان به لب رسیده است ... و اگر اوضاع ایران را در بعد وسیعتری نگاه کنیم و در یک بعد ماکرو تاریخ ایران را نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اتفاقات بزرگتر و گنده تری افتاده است که همه این جنبشها را تحت تاثیر قرار میدهد، یا پشت سر خود بسیج و یا سرکوب میکند.

صفحه ۳

## ما به پرچمدار کمونیسم ...

از صفحه ۱  
کمونیست درونی حزب کمونیست ایران در دوره جنگ خلیج شما اعلام کردید که از آن حزب جدا می‌شوید و حزب دیگری درست می‌کنید، حزب کمونیست کارگری ایران محصول این تصمیم بود. امروز پس از یک دهه ارزیابی شما از این تصمیم و جایگاه حزب چیست؟

اختلافات درونی حزب کمونیست ایران در دوره جنگ خلیج شما اعلام کردید که از آن حزب جدا می‌شوید و حزب دیگری درست می‌کنید، حزب کمونیست کارگری ایران محصول این تصمیم بود. امروز پس از یک دهه ارزیابی شما از این تصمیم و جایگاه حزب چیست؟

**منصور حکمت:** صحت این تصمیم اکنون دیگر باید برای همه عیان باشد. اعلام جدایی من از حزب کمونیست ایران برای تشکیل حزب کمونیست کارگری و بعد پیوستن اکثریت رهبران و کادرها و فعالین آن به حزب جدید، همانطور که همانموقع در مقطع جدایی گفتم، از نظر من یک تصفیه مثبت بود. ایجاد یک حزب جدید یک راه سیاسی اصولی و واقعینانه برای تصفیه حزب قدیم بود. بجای تصفیه تشکیلاتی، ما همفکران خود را که اکثریت آن سازمان بودند به حزب نویسی بردیم. آن روزها برخی به ما خرده می‌گرفتند که شما که در حزب کمونیست ایران اکثریت دارید چرا سیاست خود را در همان حزب دنبال نمی‌کنید. تحلیل ما این بود که حزب کمونیست ایران ائتلافی از جنبشها و گرایشات اجتماعی گوناگونی است که کمونیسم کارگری فقط یکی از آنهاست. گرایشات اجتماعی دیگر را نمیتوان با تصمیمات تشکیلاتی و "مدیریت صحیح" به پیاده کردن سیاستهایی وادار کرد که خلاف منافع خود می‌بینند. وقتی قطب سرمایه داری در شوروی آغاز به فروپاشی کرد، مارکسیسم خواه نا خواه در سطح جهانی زیر فشار قرار گرفت و نفوذ و اعتبار خود در میان ناراضیان و جنبشهای سیاسی مختلف را از دست داد. "از مد افتاد". گرایشات غیر مارکسیستی در حزب کمونیست ایران هم همراه این پدیده جهانی بی افق و پاسیو شدند و به یک وزنه به پای حزب بدل شدند. وقتی در جنگ آمریکا با عراق، ناسیونالیستهای کرد در سلیمانیه و اربیل "دولت" تشکیل دادند، ناسیونالیسم کرد در درون حزب

کمونیست ایران هم به فکر "انقلاب علیه کمونیسم" در حزب کمونیست ایران افتاد. برای ما ماندن در آن حزب و نگاهداشتن موازنه و مدیریت کردن میان این گرایشات که دیگر به نقطه عطفهای تاریخی ای در حیات خود رسیده بودند، امری عبث بود. ما یک حزب کمونیست کارگری میخواستیم که درست در آن شرایط حاد ضد کمونیستی پرچم کمونیسم را بر افراشته تر کند و به مصاف های جدیدی که در مقابل کمونیسم قرار میگرفت با اشتها و با حرارات پا بگذارد. اینکار در آن حزب ائتلافی ممکن نبود. جدایی باید صورت میگرفت. روش ما یک تصفیه مثبت بود. نیروی خود را بیرون کشیدیم و بدون دغدغه سر و کله زدن با طرفداران بانک جهانی و فوکویاما و طالبانی یک حزب سیاسی جدید با یک برنامه کمونیستی تعریف شده ساختیم. یادآوری می‌کنم که اسناد و مقالات متعدد مربوط به جدایی ما در دهسال قبل و تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران وسیعا منتشر شده و من خواندن آنها را به همه علاقمندان تاریخ کمونیسم در ایران توصیه می‌کنم.

کمونیست درونی حزب کمونیست ایران در دوره جنگ خلیج شما اعلام کردید که از آن حزب جدا می‌شوید و حزب دیگری درست می‌کنید، حزب کمونیست کارگری ایران محصول این تصمیم بود. امروز پس از یک دهه ارزیابی شما از این تصمیم و جایگاه حزب چیست؟

کمونیست درونی حزب کمونیست ایران در دوره جنگ خلیج شما اعلام کردید که از آن حزب جدا می‌شوید و حزب دیگری درست می‌کنید، حزب کمونیست کارگری ایران محصول این تصمیم بود. امروز پس از یک دهه ارزیابی شما از این تصمیم و جایگاه حزب چیست؟

کمونیست درونی حزب کمونیست ایران در دوره جنگ خلیج شما اعلام کردید که از آن حزب جدا می‌شوید و حزب دیگری درست می‌کنید، حزب کمونیست کارگری ایران محصول این تصمیم بود. امروز پس از یک دهه ارزیابی شما از این تصمیم و جایگاه حزب چیست؟

کمونیست درونی حزب کمونیست ایران در دوره جنگ خلیج شما اعلام کردید که از آن حزب جدا می‌شوید و حزب دیگری درست می‌کنید، حزب کمونیست کارگری ایران محصول این تصمیم بود. امروز پس از یک دهه ارزیابی شما از این تصمیم و جایگاه حزب چیست؟

انترناسیونال هفتگی - شماره ۸۲  
۹ آذر ۱۳۸۰

۳۰ نوامبر ۲۰۰۱

## متن سخنرانی محمد آسنگران ...

از صفحه ۲

معترض و شخصیت‌هایی که به آنها کمونیست می‌گفتند، شخصیت‌های حاشیه‌ای جامعه بوده‌اند. این اوضاع تا مقطع انقلاب ۱۳۵۷ ادامه دارد و بعد از این انقلاب هم خمینی و جنبش اسلام سیاسی قدرت را قبضه می‌کنند و همه آنها را قتل عام می‌کنند. که من اینجا وارد دلایل آن نمی‌شوم.

اما از آن مقطع به بعد جامعه بطور واقعی عکس‌العکس به این حکومت تازه به قدرت رسیده منفی است. بویژه بعد از یک پروسه ده بیست ساله که اسلامیها در ایران قدرت را در قبضه دارند اکثریت جامعه از وضع موجود ناراضی هستند. اما همین ناراضیان به چه جنبش و افقی متوسل میشوند؟ به کدام گرایش اجتماعی روی می آورند. فرهنگ کدام جنبش به فرهنگ و شعر و شعار و داستان و رمان جامعه تبدیل میشود؟ کدام جنبش برای مردم قابل دسترس و قابل انتخاب است؟

اکثر نویسندگان ایرانی، اکثر آنهایی که قلم می‌زنند و افکار جامعه را می‌سازند، اکثر آنهایی که در رسانه‌های رسمی موجود خطاب به مردم ایران حرف می‌زنند و اکثر آنهایی که رسانه در اختیار دارند را نگاه کنیم ببینیم از چی حرف می‌زنند؟ برجسته‌ترین تولیدات و آثار و نتایج سیاستها و فرهنگ آنها یک نوع ناسیونالیسم آغشته به اسلام را نمایندگی می‌کنند. شخصیت‌های معروفی که افکار عمومی جامعه را بسازند و چپ باشند و از یک موضوع انسانی و برابری طلبانه و آزادیخواهانه حرف بزنند و فرهنگ سازی کنند حتی کسانی که مثل عصر روشنگری در اروپا حرف بزنند خیلی کم و بی امکاناتند. در مقایسه با طیف تحصیل کرده ایرانی آغشته به ناسیونالیسم و اسلام‌یسم چنین آدم‌های چپ و رادیکالی بسیار کم و ناشناخته هستند. حتی آنهایی که بخواهند این نقش درست را انجام بدهند و حرفشان به گوش جامعه برسد فشارهای مختلف آنها را به سمت ناسیونالیسم ایرانی سوق میدهند. تازه وقتی که برمیگردیم و شروع

در این دوره حداقل در این یکی دو سال اخیر اولین اتفاقی که افتاد و مثبت بود و چشم همه را باز کرد، این بود که از خود انقلاب و کلمه انقلاب خارج از اینکه ماتفسیرمان از آن چی هست و دیگران چه تفسیری از آن دارند اعاده حیثیت شد. اکنون دیگر از اوایما گرفته تا سرکوزی از دوم خردادها و اصلاح طلبانی که خود از مقامات جمهوری اسلامی بوده‌اند گرفته، تا اصلاح طلبان بعد از شکست دوم خرداد و تا چپهایی که تا دیروز دمکراسی را به سوسیالیسمشان می‌چسبانند که معقول به نظر برسند و غیره همگی انقلاب را نه تنها یک پدیده منفی ارزیابی نمی‌کنند بلکه در رسای آن حرف می‌زنند. این اتفاق مهم است. مهم است نه به این دلیل که ما انقلاب را دوست داشتیم و در مورد آن با دیگر گرایشات جنیگیده ایم، بخاطر اینکه انسانیت آزادیخواه و جریان چپ این دوره تنها راه به قدرت رسیدنش لاقول در جایی مثل ایران فقط انقلاب است. هیچ راه دیگری در ایران فعلی برای قدرت گیری چپ و کمونیسم و دخالت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت خودشان یا وجود ندار و یا بسیار مشکل است. بنابراین این تنها راه ممکن و متمدن بجز راه انقلابی و انقلاب کردن نیست.

برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی و عملی شدن مطالبات مردم نه کودتا نه رژیم چنج، نه انتخابات که در ایران امروز به جوک شبیه است، راه حل نیست. جریاناتی که میگفتند با وجود جمهوری اسلامی انتخابات آزاد کنیم و فراندیم کنیم و نافرمانی مدنی راه حل است و انقلاب خشونت است و غیره همگی راه حلشان دود شد و هوا رفت. همه اینها به جوک سیاسی شبیه بود تا راه حل. اکنون خودشان هم یادشان رفته است که از آن حرف بزنند. چون میدانند در کشوری مثل ایران امروز و با وجود این رژیم انتخابات بی معنی است. این رژیم در میان خودش و بدون حضور غیر خودیها انتخابات کرد و دیدیم که چگونه به تیپ همدیگر زدند. بنابراین این انتخابات در ایران امروز بی معنی است. به همین دلیل ما میگوییم تنها راه حل متمدنانه، کم دردر و سریع این است که انقلاب بشود.

خوشبختانه امروز دیگر کسی جرات نمی‌کند که انقلاب را خشونت بنامد. بخش زیادی همان کسانی که تا دیروز در ضدیت با انقلاب قلم فرسایی میکردند امروز در رسای انقلاب مینویسند. در ایران چند سال اخیر اتفاقاتی افتاده است. سال ۸۸ نقطه عطفی در سیر تحولات و اتفاقات داخل ایران بود. در این سال مردم بهانه‌ای گیر آوردند و به خیابان ریختند و ما اسم آنرا انقلاب گذاشتیم در میان اپوزیسیون چپ ایران بجز ما کسی این اسم را برای آن به رسمیت نشناخت. البته دعوا هنوز اینجا نیست. دعوا اصلی اینجا بود که ما حرکت انقلابی مردم را برجسته کردیم و خود را بخشی از این جنبش اعتراضی دانستیم و از انقلاب عملاً اعاده حیثیت کردیم. کسانی گفتند این جنبش سیاه و سبز بود و شکست خورد و اکنون که جناح خامنه‌ای احمدینژاد مسلط شده‌اند خوشحال هستند. کس دیگری که میبیند موسوی کروبی بی اعتبار و بی نفوذ شده‌اند همچنانکه ما گفتیم آنها شخصیت‌های موقت یک دوره معین بودند و عمر سیاسی‌شان تمام شد ناراحت است.

ما که فکر میکردیم مردم امکانی گیرشان آمده است و ممکن است پیروز شوند تمام تلاشمان را کردیم. اما مردم نتوانستند پیروز شوند. با این حال اگر مردم نتوانستند به پیروزی برسند و عقب نشستند اما شکست هم نخورده‌اند. همان راه را با تجربه بیشتر و همه جانبه تری امروز ادامه میدهند. انقلاب فروکش کرد و اکنون انقلابی در جریان نیست اما مردم شکست نخورده‌اند روحیه شکست طلبی در میان مردم رواج نیافته است. شعاری درست کرده‌اند که میگویند "تونس ایران تونس" داستان این بود که انقلاب از ایران شروع شد اما در ایران پیروز نشد، در تونس پیروز شد. من احساس و برداشت دیگری داشتم. من فکر میکردم و فکر می‌کنم که ایران پیشقراول این انقلابات منطقه بود. استارت را زد و یک جنبش بیداری را آغاز کرد. کاری که علیه اسلام سیاسی شد و اکنون همه خوشحالند که اسلام سیاسی رو به افول نهاده است و ضعف این جنبش را مشاهده میکنند و میبینند که انقلابات

منطقه علیرغم تمام کمبودهای چپ و نقش حاشیه‌ای چپها و کمونیستهای در انقلابهای جاری، اسلام سیاسی نتوانسته است دست بالا پیدا کند. دلیل این اتفاق شکست و بی اعتباری اسلام سیاسی در ایران بود که مردم با همان اعتراضاتشان باعث آن شدند.

اما همینجا یک توضیح لازم است و آن اینکه امروز نباید چپ را به معنای سنتی آن تعریف کرد. برای مثال اگر در یک حرکت پرچم قرمز دیده نشد و یا شعار جریاناتی از نوع چریک و تروتسکیستها و نوع چپهای وطنی در جلو صف دیده نشد معنی اش آن نیست که آن حرکت چپ نیست. من میگویم مگر در جنبش اشغال وال ستریت مردم از چی حرف می‌زنند؟ آیا این حرکت ضد سرمایه داران حاکم هست یا نه؟ همین امروز در مرکز فرانکفورت که تعدادی از شما آنجا بودید آیا آن اعتراض چپ بود یا نه؟ من میگویم این حرکت چپ است. باید در آن دخالت کرد. چپ این دوره به این شکل تعریف میشود. با تعاریف چپ سنتی و کدها و رمزها و رنگهای آن تفاوت دارد. این چپ به میدان آمده و گفته است شما سرمایه داران میلیارد- میلیارد دزدی میکنید ما که ۹۹ درصد هستیم از نعمات این جامعه محرومیم. میگویند چرا شما یک در صد جمعیت تمام امکانات این جامعه را در اختیار خود گرفته‌اید؟ این جنبش اکنون به میدان آمده است میگوید نوبت ما است. اجازه نمیدهیم از این بیشتر ما را در محرومیت نگاهدارید. این برای من یعنی چپ و یعنی جنبشی که من خود را به آن متعلق میدانم، اما اینکه این جنبش به پیروزی میرسد یا نه به فاکتورهای زیادی بستگی دارد که اینجا فرصت پرداخته به آن نیست. اما بحث من این است که ما چگونه این جنبش را میبینیم. اگر از همین حالا که هزار و یک ضعف هم دارد یک مهر شکست روی آن بزنیم و اگر همه چپها این کار را بکنند معلوم است که احتمال شکستش بیشتر میشود. ولی اگر مال خودشان بدانند و اگر بدانند که این دوره، دوره‌ای است که خیلی با دوره‌های قبلی متفاوت است. ممکن است اتفاقات دیگری بیافتد.

من میگویم دنیا وارد فضای

## متن سخنرانی محمد آسنگران ...

از صفحه ۳

### علی نجاتی از فعالین کارگری نیشکر هفت تپه به زندان دزفول منتقل شد



روز ۲۱ آبان علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و از رهبران شناخته شده و محبوب در میان کارگران این کارخانه برای گذراندن یکسال محکومیتش به

زندانیان دزفول منتقل شد. بنا بر خبرهای منتشر شده خانواده و اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه علی نجاتی را پیش از اعزامش به زندان در مراجعه وی به دادگاه جمهوری اسلامی همراهی کردند.

جرم علی نجاتی دخالت و شرکت در اعتراضات با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۸۵ و ایجاد تشکلشان سندیکای نیشکر هفت تپه است. او قبلاً نیز به همین خاطر ۶ ماه در زندان فجر دزفول در اسارت رژیم اسلامی بسر برد. اما دوباره پرونده جدیدی برای او گشودند و با وجود اینکه او در دادگاه بدوی جمهوری اسلامی تبرئه شد، ولی بعد از ارسال حکم به شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظر، جانیان اسلامی وی را به یکسال زندان محکوم کردند.

علی نجاتی سه سال است که با وجود ۲۵ سال سابقه کار از کارش اخراج و او خانواده اش در شرایط اقتصادی بسیار بدی بسر میبرند. اخیراً نیز به خاطر سکنه قلبی در زندان، زیر عمل جراحی قلب قرار گرفت و در این مدت تحت مداوا قرار داشته است. علیرغم همه اینها جنایتکاران جمهوری اسلامی علی نجاتی را برای اجرای حکمشان به زندان فجر دزفول انتقال دادند. باید به این حکم و به این دادگاههای فرمایشی و به زندانی کردن علی نجاتی وسیعاً اعتراض کرد. حکم زندان علی نجاتی باید لغو و فوراً از زندان آزاد شود. علی نجاتی و دیگر کارگران اخراج شده نیشکر هفت تپه باید فوراً به سرکار خود بازگردند. علی نجاتی و خانواده اش شایسته وسیعترین حمایت ها هستند. با تمام قوا علی نجاتی را مورد حمایت وسیع خود قرار دهیم.

علاوه بر علی نجاتی، آیت نیافر فعال کارگری شناخته شده و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، رضا شهابی و ابراهیم مددی از اعضای سندیکای شرکت واحد، بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک و رسول بدایعی عضو کانون صنفی معلمان در زنداند. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۲ آبان ۱۳۹۰، نوامبر ۲۰۱۱

[Shahla\\_daneshfar@yahoo.com](mailto:Shahla_daneshfar@yahoo.com)

[Banram.Soroush@gmail.com](mailto:Banram.Soroush@gmail.com)

<http://free-them-now.blogspot.com>

آن کسی که هنوز باید متوجهش کنید چپها هستند، که باید متوجه اشان کرد. ما کمونیستها و چپها باید این واقعیت را ببینیم که جنبشی در مقابل اینها (ناسیونالیستها و اسلامیهها) قرار دارد که میلیونی است. همان جنبشی که از ایران و تونس و میدان التحریر شروع شد و به وال ستریت رسید و امروز شاخه ای از آنرا در فرانکفورت میبینیم.

این جنبشی که اخیراً از وال ستریت شروع شده است، یکسرش در مصر است یکسرش در اسپانیا است و یکسرش فرانسه است و یکسرش در ایران است. من میگویم ما این جنبشیم. این جنبش ابعاد میلیونی دارد ولی رهبر می خواهد سخنگو می خواهد تشکیلات و ایده و راه حل می خواهد. جریاناتی که بخواهند در ایران برنده شوند باید خودشان را به این جنبش وصل کنند. وقتی در ایران میتوان برنده شد و سری تو سرها در آورد که دو جنبش ارتجاعی مقابل (ناسیونالیسم و اسلامیسیم) را حاشیه ای و بی اعتبار کرد. چپ ایران باید بداند که این دو تا جنبش ناسیونال-اسلامی دارند بهم وصل میشوند. یکی میشوند. در مقابل این قطب ارتجاعی طبقه کارگر و جامعه باید قطب خود را داشته باشد.

چپ بودن جنبشها یک واقعیت عینی است و حتی تعداد میلیونی آنها یک واقعیت است. اما هیچ تضمینی برای پیروزی آنها نیست. اگر چه تمام جنبشهای کارگری و زنان و جوانان چپ هستند، اما تنها به این اعتبار که مطالباتشان انسانی و چپ است تضمینی وجود ندارد که چپ و کمونیسم پیروز میشود. مگر اینکه رهبران و سخنگویان این جنبشها چپها و کمونیستها باشند. بنابر این یک وظیفه مهم چپ و کمونیسم در ایران امروز این است که باید ششم سیاسی و احساس مسئولیت داشته باشد. این تشخیص را داشته باشد که این خلق را بر کند. چپها و کمونیستها باید بدانند که می خواهند چکار کنند. باید متوجه بود که در چه دوره حساسی بسر میبریم.

من میگویم چپی که احساس مسئولیت میکند فردی است یا

میکنند، افکار جامعه را میسازند. همین الان بیشترین مدیای اجتماعی، از سایت گرفته، تا تلویزیون، از روزنامه گرفته، تا دیگر رسانه های عمومی اینها در استفاده و دسترسی به این امکانات هنوز در جامعه دست بالا را دارند.

کسی که الان در ایران بخواهد به جایی سر بزند اخبار و اوضاع سیاسی و تحلیل را نگاه کند و ببیند دنیا به کجا میرود، اولین سایتها، اولین روزنامه ها، اولین تلویزیونهایی که قابل دسترس است هنوز دست آنها است. و بخشی هم دست سلطنت طلبها و ناسیونالیستهای پرو غرب است. این دو میها اعتباری جدی در میان مردم ندارند، هر چند یک بخش کوچکی از

جامعه هنوز به اینها امید دارند، ولی خیلی ضعیف و حاشیه ای اند. منتهی آن چیزی که خطر ایجاد میکند وصل شدن این دو تا جنبش به همدیگراست. هر دوی اینها اکنون چشم به اقدامات کشورهای غربی دوخته اند. بر اساس منافع طبقاتی که دارند، مشاهده میکنید که بحث "کنفرانس ملی" بحث اینک اپوزیسیون باهم جمع بشوند، یک پلاتفرم داشته باشند، آلترناتیو جمهوری اسلامی را سازمان بدهند و... یکسرش رضا پهلوی است، یکسرش نماینده کروی است. آن گوشه اکثریت است و آن گوشه دیگر حزب توده و گوشه دیگرش خیل ملا و آخوند و سکولاریستهای تازه سکولاریست شده، سرنگونی طلبانی که تا دیروز خواهان اصلاحات رژیم بودند، همه اینها را من جبهه ناسیونالیسم ایرانی میدانم. این یک جبهه است این جبهه الان علیرغم هر اختلافی که باهم داشته باشند، در یک قامت می خواهند ظاهر بشوند، قامتشان هم اینست تحت عنوان "منفعت ملی ایران"، "استقلال ایران"، و "منفعت مردم ایران" و "نجات ایران" و... اینها کدها و رمزهایی است که شعارهایشان و بهر حال پلاتفرمشان را نشان میدهد.

کل اینها اگر حتی دور هم جمع نشده اند، جمع میشوند، اینرا خیالمان راحت باشد، چون سرمایه داری منفعت خودش را خیلی زودتر از ماها تشخیص میدهد. متأسفانه

دیگری شده است. فاکتور دیگری که خیلی تعیین کننده است اینکه در دنیا امروز سانسور بی معنی شده است. دیکتاتورها اولین سلاخشان علیه آزادیخواهی، علیه مردم، علیه همان مردمی که الان میگویند باید سرنوشت خودشان را در دست بگیرند، سانسور بود. یعنی اینکه مردم حرفشان بهم نرسد، نتوانند حرفهایشان را یکی بکنند. امروز دیگر سانسور غیر ممکن است. مدیایی وجود دارد که هر انسانی در محل زندگی خصوصی خودش هم میتواند از این مدیا استفاده کند با همفکران، هم جنبشها و هم طبقه ایها و انسانهای هممنوع خودش تماس برقرار کند و حرفشان را یکی بکنند.

بنا بر این اگر این فاکتور تعیین کننده است و چپ و آزادیخواهان هم میتوانند از امکانات مدیایی بهره مند شوند در ایران امروز هم که ما با دو تا جنبش تاریخی مسلط مواجهیم، چکار باید بکنیم؟ در مقابل این دو جنبش (ناسیونالیسم و اسلامیسیم) یک جنبش آزادیخواهانه و چپ که این دو تا جنبش را نمایندند خودش نمیداند هم امکان اینرا پیدا کرده است که در یک سطح وسیع و اجتماعی عروج کند. بنابر این کمونیزم امروز و چپ امروز، باید ایفای نقش در اعتراض به سرمایه و نابرابری موجود در جامعه امروز را با استفاده از این مدیا وظیفه خود بداند و آنرا در بیاورد. باید با استفاده از اهمیت این رسانه های اجتماعی حرکت خود را سازمان بدهد. در انقلاب ۸۸ جوانان ایران از این امکان خوب استفاده کردند.

یکی از پیامدهای این انقلاب این بود که جنبش ملی اسلامی که یک سرش در حکومت است (خامنه ای و احمدی نژاد و بخشی از اصلاح طلبان) و یکسرش بخش زیادی از اپوزیسیون را در بر میگیرد مانند حزب توده چریک اکثریت و بالاخره همه عموزاده ها و خاله خان باجی آنها که دور و برشان هستند، همه اینها شاح و برگهای یک جنبش اند، دیگر نمیتواند با پرچم جنبش اسلامی یا ملی اسلامی بیاید ادعای قدرت بکنند. آنها عقب نشسته اند، اما همچنان نقش ایفا



## خشونت مداوا نشده



مهوش گلپریان

اواخر نوامبر هر سال، روز حمایت از زنان و دخترانی است که مورد خشم و خشونت قرار میگیرند. از آن موقع فکر کنم سال ۱۹۸۱ بود که سازمان ملل متحد انتخاب روزی را به اسم کنوانسیون روز جهانی رفع تبعیض و خشونت علیه زنان گزینده ای معرفی کرد. برای اینکه با هرگونه تبعیض و نابرابری، سنت های مردسالارانه، تبعیض جنسیتی، جنون افراط گری و احساسات کنترل نشده در خشونت و تجاوز، قتل های ناموسی در بعضی از کشورها و اغلب در کشورهای اسلام زده، به این روز اختصاص داده شد که شاید گرهی از مشکل زنان و دختران و جنس قربانی شده اخلاقیات ضد بشری را باز کنند. کمیته های رفع خشونت همه ساله دانش کاذب خود را بکار می اندازند و هر سال همچون امسال و امسال هم مثل پارسال پروژه هایشان به بن بست رسید و جالبتر اینکه نمی دانند چرا شکست میخورد و دولتها هم توجهی به موازین و قوانین بین المللی شان برای رفع خشونت نمی کنند و شعله های خشونت هم خاموش شدنی نیست که نیست.

البته باید بگویم که همبستگی کشورهای متحد سازمان ملل در رفع خشونت و تبعیض علیه زنان مثل سایر سیاستهای نئولیبرالی "جهانی" گسترش یافت و برحسب عامه پسند بودن آن حتی در دور

افتاده ترین مرزهای جغرافیایی هم آنجا که زنان اسیر قواعد نابرابر با مردها بودند و هستند، حمایتی جلوه کرد. اما دریغا امروز حتی در دموکراتیک ترین کشورهای دنیا، امتیازاتی که به همراه قدرت تکنولوژی و پول نهفته در آن که تقریباً مردانه شده، سایه بحران فعالیت های شغلی زنان را حتی در عرصه های خدماتی و آموزشی نیز مورد تهدید قرار داده است. این است نتیجه دفاعیات جهانی این قطعنامه تحقیر آمیز از خشونت و امنیت روانی و شغلی زنان که به همه بازارهای دنیا تجویز شده بود.

## مصون ماندن زنان از شکنجه و تجاوز و تبعیض

چیزی که همه می دانیم اینست که قوانین حکومت های اسلامی، در کل انسانیت را زیر علامت سئوال برده اند و در رابطه با خشونت نسبت به زنان و نادیده گرفتن این تعرضات علیه زنان، دست مردها را هم به خون آغشته کرده و اغلب این مردهای آسیب دیده هم ناگهان خشونت و قتل را چاره بحران درونی خود میدانند.

البته در ایران آنچه که در آن جامعه اتفاق می افتد به علت بیکاری و فقر و تنگدستی و قوانین ضد انسانی رژیم حاکم، هر آنچه را هم که برای مردم باقی گذاشته ضایعات زندگی است. از جمله انواع بیماریهای روحی، روانی، زندان، تجاوز، اعدام، شستشوی مغزی که در آن ارزش انسانها را تخریب میکنند، مواد مخدر تا قاچاق آن، تن فروشی، قتل، خودکشی، بی خانمانی و زندگی در خیابانها و ...

با این اوضاع احوال جالب اینجاست که کشورهای متحد کنوانسیون رفع خشونت از زنان،

دولتهایی چون حکومت اسلامی را به رعایت برابری و تساوی حقوقی بین زن و مرد دعوت میکنند و از آنها میخواهند که علیه تبعیض مبارزه کنند تا خشونت از بین برود و یا در جای دیگر سر شکنجه و مجازات زنان وارد معامله میشوند و دلشان به رحم می آید و از دولتهایی مثل رژیم اسلامی میخواهند که برای زنان اگر میشود تخفیف قائل شوند تا زنان از رفتارهای خشن و تحقیر آمیز مصون بمانند. آیا این فراتر از ریاکاری نیست؟ سرکوب و تحمیل آوارگی توسط این حکومت که از ۳۰ سال قبل آغاز شده و منجر به جابجایی موج عظیم انسانی گشته است، آیا به دانش سیاسی گردانندگان این نوع کنوانسیونها نیافزوده که علت این شکاف ها میان مردم و حکومت ها در چیست؟ این چه انقلاب اطلاعاتی است که ارتباطات و رسانه هایش از هر آنچه که در قوانین حکومتها و کشورهای اسلام زده میگذرد بی خبر است و این رژیم های آدم کش را به جعل در برابری و تساوی خواهی دعوت میکند؟ و جالب اینکه وقتی سوار پرموج اعتراضات مردم میشوند، نمونه تونس، لیبی یا مصر، همانها که آن از لحاظ غیر انسانی بودن مورد توجه اند، همراه با بر چسب دموکراسی خواهی، "شایسته سالار" لقب میگیرند. این حماقت سازمان یافته علیه بشریت امروز که جلو هر نوع تغییر ساختاری را از انسان امروزی میگیرد باید با تمام توان افشا کرد.

هر چند باید گفت طرح کردن این گونه دفاعیات از طرف گردانندگان این کنوانسیون به اسم حذف خشونت، خود مجوزهایی هستند برای به قتل رسیدن ها و دشمنی های مرگبارتر.\*

## متن سخنرانی محمد آسگران ...

از صفحه ۴

سازمانی، حزبی و یا غیر حزبی هر چی که هست باید بدانند که امروز اینطور است. جنبش ناسیونالیستی دارد خود را برای جانشینی جمهوری اسلامی آماده میکند. غرب را پشت سر خود دارد. پول و امکانات و سنت جا افتاده را در اختیار دارد. کمونیست و چپ مسئول تیز بین باید بدانند که نقطه قدرتش رادیکالیسم اش است. جنبش ما قوی است در ابعاد کل جامعه مردمانی هستند که میخواهند سهم اشان را از زندگی بگیرند. این جنبش میلیونی است امروز و در شرایط فعلی در ایران هنوز در خیابان نیست لاقط در ابعاد میلیونی در در خیابان نیست. ولی در کارخانه و در محله و در هر جایی که انسانی تحت ستم هست این جنبش های آزادیخواهانه در جریان است. نقطه قدرت چپ و کمونیسم وجود این جنبشها و خواسته های رادیکال آن است. در قدم اول چپی که احساس مسئولیت میکند باید بیاید لاقط بر سر، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی دور هم جمع بشود.

نه تنها ما بنظر من بشریت متمدن چپ امروز و انسانیت آزادیخواهی که خواهد امروز در ایران در مقابل دو جنبش اسلامی و ناسیونالیستی پرچم آزادی و رهایی را بردارد راهی بجز این در پیش ندارد. این راهی است که باید باهم برویم من به سهم خود میتوانم بگویم که حزب کمونیست کارگری در طی کردن این راه مصمم است. حزب می خواهد این راه را برود و تلاش میکند که کل انسانهای آزادیخواه کل چپ چه متشکل و چه غیر متشکل آنرا دور این پرچم جمع کند. باید در مقابل این دو جنبش

بایستیم در درجه اول جمهوری اسلامی را باید از جلوی پای خودمان برداریم و در درجه دوم اجازه ندهیم باز هم تحت عنوان حقوق بشروش و هخامنشی و .. ناسیونالیسم ایرانی را سوار سر مردم کنند. و باز هم مردم را از دخالت در سرنوشت خودشان محروم کنند. این بار نوبت ما است نوبت مردم آزادیخواه است و نوبت آنهاست هست که تا حالا هیچ به حساب می آمدند. ما میگویم زنده باد آنهاست که تا حالا هیچ به حسابشان می آوردند و امروز همه کاره اند.\*

ما به عنوان حزب کمونیست کارگری تصمیم خودمان را گرفته ایم، همچنانکه تا حالا در مقابل همه این جنبشهای ارتجاعی ایستاده ایم، در این شرایط هم تا آنجایی که بتوانیم و قدرتش را داشته باشیم نمیگذاریم قدرت بین اسلامیسیم و ناسیونالیسم دست به دست بشود.

این بار نوبت کارگران و مردم تحت ستم است و این بار مردم باید با قدرت بیشتری جلو بیایند. ما تلاش میکنیم که مردم کمونیسم و چپ را حزب و جنبش قابل اعتماد خودشان بدانند.

www.hekmat.public-archive.net  
www.wpiran.org

New Channel TV  
کابلان جلا...  
هات برد ۸ فرکانس: ۱۱۶۰۴  
آف ای سی: ۵/۶ شبکه KBC  
۹ و نیم تا ۱۱ و نیم شب  
به وقت ایران  
پلار یواسون: افقی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

## طالبان یک مادر و دختر را در افغانستان سنگسار کرد!



مینا احدی

این واقعه روز پنجشنبه ۱۰ نوامبر ۲۰۱۱ در افغانستان و در غزنی اتفاق افتاد. مادر و دختر جوانی که تنها زندگی میکردند، توسط جنایتکاران و فاشیستهای اسلامی طالبان دستگیر و به اتهام "رابطه نامشروع" هر دو سنگسار شدند. دولت مرکزی افغانستان با لاقیدی تمام اعلام کرد که دو نفر را در این رابطه دستگیر کرده است. واقعیت اما اینست که همین دولت اسلامی و کزایی در حال استقبال از "برادران ناراضی" طالبان است و به آنها امتیاز داده است که هر جا که بتوانند قوانین "الهی و حدود" را اجرا کنند و سنگسار زنان و مردان جوان در افغانستان، تنها یکی از قوانین ارتجاعی اسلامی است که جنایت می آفریند.

سنگسار یک مادر و دختر در روز پنجشنبه در افغانستان البته اولین مورد سنگسار در ماههای گذشته در افغانستان نیست. طالبان در اوت ۲۰۱۰ در ولایت بادغیس یک زن حامله را به اتهام اینکه ازدواج رسمی نکرده و بعد از

جدایی از همسرش حامله شده بود، زنده زنده داخل یک گودال انداخته و او و فرزندش را سنگسار کرد. دو روز بعد از این جنایت وحشتناک، یک پسر و دختر جوان که قصد ازدواج داشته و باهم به پاکستان فرار کرده بودند، بعد از بازگشت به روستای خودشان "ملاقلی" در ملا عام سنگسار شدند. این واقعه در اوت ۲۰۱۰ اتفاق افتاد و فیلم این جنایت در ژانویه ۲۰۱۱ علنی شد و دنیا با بهت و حیرت این فاجعه را نظاره کرد.

سنگسار این پسر ۲۸ ساله و دختر ۲۳ ساله، دو روز بعد از آن اتفاق افتاد که شورای علمای افغانستان به عنوان بالاترین نهاد اسلامی در افغانستان از دولت خواست که اجرای مجازاتهای اسلامی و یا "حدود" را به عنوان امتیازی به طالبان بدهد تا درگیریها و جنگ در این مناطق پایان یابد. دولت کزایی به طالبان امتیاز میدهد و زنان و مردم در افغانستان در سایتهای و وبلاگهای خودشان از احتمال شدت یافتن سنگسار و دست و پا بردن و جنایت و قتل بیشتر توسط حاکمین و طالبان حرف میزنند.

کزایی جنایتکاران طالبان را "برادران ناراضی" قلمداد کرد و بعد از نه سال جنگ و درگیری با طالبان، امتیازاتی را به آنها داد. چند روز بعد از این موضوعات سنگسارها شروع شد و سازمان عفو بین الملل اعلام کرد که در سال ۲۰۱۰ بعد از

نه سال اولین سنگسار در افغانستان اجرا شد. به گفته عفو بین الملل از سال ۲۰۰۱ کسی در افغانستان سنگسار نشده بود.

سنگسار یک جنایت وحشتناک و قرون وسطایی است که جنبش اسلامی آنرا برای ایجاد وحشت در جامعه و ساکت کردن مردم استفاده میکند. جریانات اسلامی هر جا بخواهند قدرت خود را اعمال کنند برای ترساندن مردم تعدادی را سنگسار میکنند. این واقعه اکنون در مراکز تحت تسلط طالبان در حال اجرا شدن است.

واقعیت اینست که زنان و مردم افغانستان اسیر دست باندهای تروریست اسلامی، چه آنها که در قدرت اند و چه آنها که به اصطلاح اپوزیسیون حکومتی اند، هستند. در این کشور مبارزات گسترده ای توسط مردم و زنان علیه کل این دستگاه ستم و سرکوب و علیه دخالت مذهب در حکومت و زندگی مردم در جریان است.

کمیته بین المللی علیه سنگسار جنایات وحشیانه طالبان در غزنی را بشدت محکوم میکند و از دنیا میخواهد که به این جنایات و وحشیگریهای جنبش اسلامی با صدای بلند اعتراض کنند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۱۱ نوامبر ۲۰۱۱  
[minaahdi@aol.com](mailto:minaahdi@aol.com)

## به یاری حامیان مادران ...

از صفحه ۱

دادگساه او در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۹۰ تعیین شده بود که به دلیل عدم حضور نماینده دادستان به تعویق افتاد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از طریق فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) مطلع گردیده است که حامیان «مادران عزادار» خانم زیلا کرمزاده مکوندی، خانم لیلا سیف الهی، آقای نادر احسنی در مرحله تجدید نظر محکوم و برای گذراندن حکم زندان احضار شده اند و آزار و اذیت و فشار بر خانم منصوره بهکیش، که در مبارزه با اعدام زندانیان نیز فعال است، نیز ادامه دارد. براساس اطلاعات دریافتی، خانم زیلا کرمزاده مکوندی و آقای نادر احسنی و خانم لیلا سیف الهی در تاریخ های ۱۵ آبان و ۱۷ آبان ۱۳۹۰ برای اجرای حکم دو سال زندان به دادسرای زندان اوین احضار شدند. وکلای آنها پیش از احضار از نتیجه تجدید نظر مطلع نشده بودند و در پیگیری معلوم شد که دادگاه تجدید نظر حکم های زیلا کرمزاده مکوندی و لیلا سیف الهی را به ۲ سال حبس تعزیری و ۲ سال حبس تعلیقی که تا ۵ سال پس از اجرای حکم قطعی قابل اجراست، کاهش داده است. نادر احسنی نیز به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شده است. علاوه بر این، منصوره بهکیش در ۱۴ آبان ۱۳۹۰ مطلع شد که محاکمه او در تاریخ ۴ دی ۱۳۹۰ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی برگزار خواهد شد. پیش از این،

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از طریق فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) مطلع گردیده است که حامیان «مادران عزادار» خانم زیلا کرمزاده مکوندی، خانم لیلا سیف الهی، آقای نادر احسنی در مرحله تجدید نظر محکوم و برای گذراندن حکم زندان احضار شده اند و آزار و اذیت و فشار بر خانم منصوره بهکیش، که در مبارزه با اعدام زندانیان نیز فعال است، نیز ادامه دارد. براساس اطلاعات دریافتی، خانم زیلا کرمزاده مکوندی و آقای نادر احسنی و خانم لیلا سیف الهی در تاریخ های ۱۵ آبان و ۱۷ آبان ۱۳۹۰ برای اجرای حکم دو سال زندان به دادسرای زندان اوین احضار شدند. وکلای آنها پیش از احضار از نتیجه تجدید نظر مطلع نشده بودند و در پیگیری معلوم شد که دادگاه تجدید نظر حکم های زیلا کرمزاده مکوندی و لیلا سیف الهی را به ۲ سال حبس تعزیری و ۲ سال حبس تعلیقی که تا ۵ سال پس از اجرای حکم قطعی قابل اجراست، کاهش داده است. نادر احسنی نیز به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شده است. علاوه بر این، منصوره بهکیش در ۱۴ آبان ۱۳۹۰ مطلع شد که محاکمه او در تاریخ ۴ دی ۱۳۹۰ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی برگزار خواهد شد. پیش از این،

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از طریق فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) مطلع گردیده است که حامیان «مادران عزادار» خانم زیلا کرمزاده مکوندی، خانم لیلا سیف الهی، آقای نادر احسنی در مرحله تجدید نظر محکوم و برای گذراندن حکم زندان احضار شده اند و آزار و اذیت و فشار بر خانم منصوره بهکیش، که در مبارزه با اعدام زندانیان نیز فعال است، نیز ادامه دارد. براساس اطلاعات دریافتی، خانم زیلا کرمزاده مکوندی و آقای نادر احسنی و خانم لیلا سیف الهی در تاریخ های ۱۵ آبان و ۱۷ آبان ۱۳۹۰ برای اجرای حکم دو سال زندان به دادسرای زندان اوین احضار شدند. وکلای آنها پیش از احضار از نتیجه تجدید نظر مطلع نشده بودند و در پیگیری معلوم شد که دادگاه تجدید نظر حکم های زیلا کرمزاده مکوندی و لیلا سیف الهی را به ۲ سال حبس تعزیری و ۲ سال حبس تعلیقی که تا ۵ سال پس از اجرای حکم قطعی قابل اجراست، کاهش داده است. نادر احسنی نیز به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شده است. علاوه بر این، منصوره بهکیش در ۱۴ آبان ۱۳۹۰ مطلع شد که محاکمه او در تاریخ ۴ دی ۱۳۹۰ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی برگزار خواهد شد. پیش از این،

**Free jailed workers in Iran**

Ebrahim Madadi  
Reza Shahabi  
Behnam Ebrahimzadeh  
Rasoul Bodaghi

**November 5th**  
International Day of Solidarity with Iranian Workers

Ebrahim Madadi  
Rasoul Bodaghi  
Behnam Ebrahimzadeh

**FREE THEM NOW!**

## رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،  
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،  
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

## اخبار هفته

### افزایش مرگ و میر کارگران بر اثر حوادث کاری

پزشکی قانونی از افزایش ۱۸ درصدی مرگ و میر کارگران، طی شش ماه نخست سال جاری خبر می دهد.

سازمان پزشکی قانونی اعلام کرده است که در شش ماهه نخست امسال ۷۷۸ نفر در حوادث کاری جان خود را از دست داده اند که ۷۷۰ تن آنان مرد و بقیه زن بودند. این آمار در مقایسه با ۶۵۵ نفری که در مدت مشابه سال گذشته بر اثر همین حوادث جان باختند، ۸/۱۸ درصد افزایش نشان می دهد. طی سال گذشته جمعاً ۱۲۹۰ نفر بر اثر حوادث کاری جان باختند که ۱۲۷۱ نفر آنان مرد و ۱۹ نفر زن بودند.

### چهار زندانی سیاسی در معرض خطر صدور حکم اعدام قرار دارند

بنابه گزارشات منتشر شده زندانیان سیاسی حبیب، جعفر علی و ولی افشاری در معرض خطر جدی صدور حکم اعدام قرار دارند. روز شنبه ۱۴ آبان ماه زندانی سیاسی حبیب افشاری ۲۴ ساله از زندان مرکزی ارومیه به زندان مهاباد منتقل شد و برای محاکمه به شعبه ۱ دادگاه انقلاب مهاباد برده شد و توسط فردی بنام جوادی کیا مورد محاکمه قرار گرفت. بازجویان وزارت اطلاعات برای زمینه سازی جهت صدور حکم اعدام به او اتهام محاربه و مفسد فی الارض نسبت داده اند. زندانی سیاسی حبیب افشاری یکی از احزاب مخالف رژیم می باشد. زندانی سیاسی حبیب افشاری همراه با برادرش جعفر افشاری ۳۸ ساله در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۸۹ دستگیر و به اطلاعات سپاه منتقل شدند. آنها در بازداشتگاههای سپاه پاسداران در مهاباد و سپس در ارومیه تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و

ارومیه بود و خود شاهد و ناظر شکنجه های جسمی و روحی بازجویان وزارت اطلاعات برای گرفتن اعترافات تلویزیونی بود و در آن هنگام آنها را تهدید به قتل و صدور حکم اعدام می کرد.

### محکومیت هشت تن از فعالان ادبی و فرهنگی

هشت تن از فعالان ادبی و فرهنگی شهر گیلان غرب در استان کرمانشاه در مجموع به ۱۳ سال حبس تعلیقی و تعزیری محکوم شده اند. این افراد در مرداد سال توسط ماموران امنیتی دستگیر و پس از یک تا دو ماه بازداشت موقت با قرار وثیقه آزاد شده بودند. اتهام افراد مذکور "اقدام علیه امنیت ملی" از طریق هواداری از جریان های اپوزیسیون در کردستان عنوان شده و احکام صادره برای آنها به این ترتیب است: سجاد جهانفرد، عزالدین حیدری و مازیار محمدی هر کدام ۱ سال حبس تعزیری، نعیم نجفی، فرهاد وکیلی نیا، جمال خانی و مریم امینی به ترتیب ۴، ۳، ۲ و ۱ سال حبس تعلیقی و سینا بیژن پور از اتهام وارده تبرئه شده است.

موج بازداشت فعالان یاد شده از تاریخ ۴ مرداد ۱۳۹۰ آغاز گردید. تعدادی از این افراد در محل سکونت یا کار خود بازداشت شدند و مابقی به فاصله چند روز پس از آن در نتیجه فشار بر خانواده و دوستانشان خود را به ستاد خبری اطلاعات کرمانشاه معرفی کردند.

مریم امینی، نعیم نجفی، جمال خانی و سینا بیژن پور پس از یک ماه و سجاد جهانفرد، فرهاد وکیلی نیا، مازیار محمدی و عزالدین حیدری نیز در ماه دوم، با قرار وثیقه های ۵۰ میلیون تومانی آزاد شدند. آنها طی این مدت در سلول های انفرادی بازداشتگاه اداره اطلاعات کرمانشاه نگهداری می شدند. عزالدین حیدری از زمان آزادی تا کنون به دلیل فشارهای روحی دوره بازداشت و حملات عصبی ۳ بار در بیمارستان فرابی کرمانشاه بستری شده است.

روحي قرار گرفتند. از جمله شکنجه هایی که علیه آنها روا داشته می شد زدن با کابل، باتون و آویزان کردن و سایر شکنجه ها. شکنجه ها بصورت مستمر و به مدت چند شبانه روز ادامه می یافت و در صورت بی هوش شدن و یا به خواب فرو رفتن با ریختن آب سرد و سایر ابزار شکنجه ها آنها را بیدار نگه می داشتند. هدف از این شکنجه ها تلویزیونی بود. در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۸۹ اقدام به دستگیری یکی دیگر از برادران آنها به نام علی افشاری ۳۱ ساله در بوکان نمودند. سپاه پاسداران با یورش مسلحانه به منزل آنها او را دستگیر کردند. او هنگام دستگیری مورد اصابت چند گلوله در ناحیه زیر بغل سمت چپ و راست قرار گرفت.

پاسداران مهاجم در حالی که او را دستگیر کرده بودند به کتفها و دستانش گلوله شلیک کردند. زندانی سیاسی علی افشاری در اثر شلیک گلوله به نقاط مختلف بدنش قادر به حرکت نیست و با کمک برادرانش و سایر زندانیان سیاسی قادر به انجام کارهای شخصی خود می باشد. متعاقب آن برادر چهارم آنها به نام ولی افشار ۲۸ ساله در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۸۹ خود را به سپاه پاسداران معرفی کرد و علیرغم بی گناهی مدت ۱ سال است که در بلا تکلیفی در بازداشت بسر می برد.

این ۴ زندانی سیاسی با پرونده سازی بازجویان اطلاعات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات در معرض خطر صدور حکم اعدام قرار دارند. لازم به یادآوری است که محمد امین افشاری برادر دیگر آنها در طی يك درگیری در فروردین ماه ۱۳۸۹ جان باخت.

جوادی کیا رئیس شعبه ۱ دادگاه انقلاب مهاباد در هنگام دستگیری قاضی ناظر پرونده آنها در زندان

## آیت نیافر با قرار وثیقه یکصد میلیون تومانی آزاد شد



بنا بر اخبار منتشر شده، آیت نیافر چهره شناخته شده کارگری و از اعضای کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری بعد از ظهر روز ۲۱ آبان پس از تحمل نزدیک به یکماه حبس از زندان آزاد شد.

آزادی آیت نیافر را به او، به خانواده اش و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگویم

آیت نیافر روز ۲۵ مهر بدنبال گفتگوی کوتاهی با کارگران کارخانه ایرانیت در متروی شهر ری که عازم تجمعی اعتراضی در مقابل وزارت کار بودند، توسط مامورین امنیتی حاضر بازداشت و سپس به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. او روز ۲۱ آبان با قرار وثیقه یکصد میلیون تومانی از زندان آزاد شد. جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را در قبال وثیقه آزاد میکند، تا چماق دستگیری و زندان را همچنان بر سرآنان نگاه دارد. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند و با رفع اتهامات وارده پرونده های تشکیل شده برای آنان لغو گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۳ آبان ۹۰، ۱۴ نوامبر ۲۰۱۱

[Shahla\\_daneshfar@yahoo.com](mailto:Shahla_daneshfar@yahoo.com)

[Bahram.Soroush@gmail.com](mailto:Bahram.Soroush@gmail.com)

<http://free-them-now.blogspot.com>

## طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردی باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر مچاله شده ایم تحمیل کند. میخواهند ما را از مصرف زیادی برخوردارند! شرم بر دزدهای میلیاردی که ثروتهایشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است.

پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میدانند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدورانشان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، متشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در يك کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران

اساسی سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

### سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

### کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

### هلند:

Bank: RABOBANK  
Darandehesab: FVIVN  
Shomarehesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

### آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrswwift code : BOFAUS

### شماره حساب انگلیس

### ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

### از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

### کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

### از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## یک دنیای بهتر - بخش ۲ - فصل هفتم روابط بین المللی

تخصصی در کشور به امر کمک به بهبود زندگی اقتصادی و فرهنگی مردم در کشورها و مناطق محروم تر جهان.

- ممنوعیت ورود کشور به پیمان های ضد مردمی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه.



حزب کمونیست کارگری ایران طبقه کارگر و همه کسانی را که خود را در آرمانها و اهداف حزب شریک میدانند به پیوستن به صفوف خویش فرا میخواند.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۴۱۷ تا ۴۷۲  
انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷ سوئد  
ISBN 91-630-5761-1

یک دنیای بهتر - برنامه  
حزب کمونیست کارگری

### انتشارات

حزب کمونیست کارگری ایران  
ISBN 91-630-  
4467-6

کشورهای مختلف که برای تحقق حقوق و آزادی های مشابه مواد مندرج در این برنامه تلاش میکنند. اعمال فشار سیاسی و دیپلماتیک بر همه رژیم هایی که حقوق فردی و مدنی پایه ای را از شهروندان خود سلب میکنند.

- تلاش برای شکل گیری و تقویت آن نهادها و مراجع بین المللی که اراده آزاد مردم کشورهای مختلف را نمایندگی میکنند و تحقق رفاه اجتماعی، گسترش آزادی های مدنی و تامین برابری مردم جهان در شئون مختلف را هدف خود قرار میدهند. تلاش برای لغو همه نهادها و پیمان ها و مراجع بین المللی امپریالیستی، میلیتاریستی و ناقض برابری و اعمال اراده آزاد مردم کشورهای مختلف جهان در صحنه بین المللی.

- تخصیص دائمی بخشی از درآمد و منابع انسانی و تکنیکی و

در شماره های قبلی ایسکرا فصل های بخش ۲ از یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری را منتشر کردیم. در این شماره فصل هفتم و پایانی برنامه تحت عنوان "روابط بین المللی" را چاپ کردیم.  
ایسکرا

### روابط بین المللی

حزب کمونیست کارگری ایران اصول زیر را به عنوان مبنای روش دولت در صحنه بین المللی مورد تاکید قرار میدهد:

- لغو دیپلوماسی سری. تابع کردن سیاست خارجی و اقدامات دیپلماتیک به قوانین و تصمیمات مصوب ارگان های مقننه منتخب مردم.

- همبستگی مادی و معنوی با جنبش های کارگری و سوسیالیستی و همه جنبش های اجتماعی در



یک دنیای بهتر برنامه  
حزب کمونیست کارگری را  
بخوانید و بدست دوستان و  
آشنایان خود برسانید

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

۳۱ سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند. سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

## همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!